

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## متن حاضر جهت قطعه نویسی نستعلیق و ثلث است.

در همه‌ی تابلوها علاوه بر متن منتخب از میان قطعات ارائه شده، دو مورد زیر نیز باید استفاده شود :

الف ( یکی از سلام‌های زیر را در اثر خوشنویسی خود استفاده فرمایید :

- السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ
- السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ أَيَّتْهَا الرُّضِيَّةُ الْمُرْضِيَّةُ
- السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا فَاطِمَةَ يَا قُرَّةَ عَيْنِ الرَّسُولِ
- السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا زَوْجَةَ خَيْرِ الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ
- السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أُمَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ

ب) استفاده از حداقل پنج نام از نام‌های حضرت فاطمه علیها السلام در اثر خوشنویسی که در زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. فَاطِمَةَ	۱۰. الْحَوْرَاءُ	۱۹. الْبَتُولُ
۲. الزَّهْرَاءُ	۱۱. الْعَذْرَاءُ	۲۰. الْحِصَانُ
۳. الطَّاهِرَةَ	۱۲. الْفَاضِلَةَ	۲۱. الْحُرَّةُ
۴. الصِّدِّيقَةَ	۱۳. الرَّشِيدَةَ	۲۲. الْمَنْصُورَةَ
۵. النَّقِيَّةَ	۱۴. الْمَعْصُومَةَ	۲۳. حَنَانَةَ
۶. النَّقِيَّةَ	۱۵. الْمُحَدَّثَةَ	۲۴. الصَّادِقَةَ
۷. الرَّاضِيَةَ	۱۶. الْمُبَارَكَةَ	۲۵. الصَّدُوقَةَ
۸. الْمُرْضِيَّةَ	۱۷. الزَّكِيَّةَ	۲۶. الْمَهْدِيَّةَ
۹. الْإِنْسِيَّةَ	۱۸. الْعَلِيمَةَ	۲۷. الشَّهِيدَةَ

قطعات منتخب :

## آیات:

« إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً »

همانا خداوند می خواهد تنها از شما اهل بیت هر پلیدی را بزدايد و شما را به شایستگی پاک و مطهر گرداند.

سورة الاحزاب، آية ۳۳



« قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى »

بگو من برای آن - ابلاغ رسالت - از شما مزدی نمی خواهم. جز آن که با خویشاوندانم به مودت رفتار نماید.

سورة الشورى، آية ۲۳



إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا ﴿٩٥﴾

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا ﴿٩٦﴾

يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا ﴿٩٧﴾

وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا ﴿٩٨﴾

إِنَّمَا نَطْعِمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا ﴿٩٩﴾

سورة الانسان، آية ۵-۹

## احادیث:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:  
فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي  
وَ هِيَ قَلْبِي وَ رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيَّ  
فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي وَ مَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ

کشف الغمة ، الاربلي، ج ۱ ؛ ص ۴۶۶ (بني هاشمي، تبريز، ۱۳۸۱ هـ ق)  
قريباً منه في: الصحيح، البخاري، ج ۴، ص ۲۱۰ و ۲۱۹ (دارالفکر، بيروت، ۱۴۰۱ هـ ق)  
الصحيح، مسلم النيسابوري، ج ۷، ص ۱۴۱ (دارالفکر، بيروت)



( استفاده از متن ترجمه خبر اختیاری است )

رسول خدا ﷺ می فرمودند :

فاطمه پاره‌ای از وجود من است،

او قلب من و روح پیکر من است،

هر که او را بیازارد مرا آزرده و هر که مرا آزار رساند، خدا را آزار داده است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:  
يَا فَاطِمَةُ!  
إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى  
لَيَغْضَبُ لِعْضَبِكَ وَيَرْضَى لِرِضَاكَ

الأمامي، الصدوق، المجلس ٦١، الحديث ١  
مستدرک، حاکم النیسابوری، ج ٣، ص ١٥٤ (تحقیق: یوسف المرعشلی)  
أسد الغابة، ابن الاثیر، ج ٥، ص ٥٢٣ (دارالکتاب، بیروت)



( استفاده از متن ترجمه خبر، اختیاری است )

رسول خدا ﷺ می فرمودند :

ای فاطمه!

بی تردید، خداوند که همواره خجسته است و برتری برای اوست

از خشم تو خشمگین و از خشنودی تو خشنود می گردد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:  
ابْنَتِي فَاطِمَةُ فَإِنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ  
وَ هِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي  
وَ هِيَ نُورٌ عَيْنِي  
وَ هِيَ تَمْرَةٌ فُؤَادِي  
وَ هِيَ رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنَبِيَّ  
وَ هِيَ الْحَوْرَاءُ الْإِنْسِيَّةُ

( الأمايلي، الصدوق، المجلس ٢٤ ، الحديث ٢ )



( استفاده از متن ترجمه خبر اختیاری است )

فرستاده‌ی خدا ﷻ فرمودند :

دخترم فاطمه ، بانوی بانوان جهان از پیشینیان و آیندگان است.

او پاره‌ی وجود من و فروغ دیدگانم

و میوه‌ی دلم و روح پیکر من است .

او بانویی بهشتی در شمایل انسان است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :  
فَاطِمَةُ حَوْرَاءُ اِنْسِيَّةٌ  
فَكُلَّمَا اشْتَقْتُ اِلَى رَائِحَةِ الْجَنَّةِ  
شَمَمْتُ رَائِحَةَ ابْنَتِي فَاطِمَةَ

(الإحتجاج، طبرسي، ج ٢، ص ٤٠٩)



( استفاده از متن ترجمه خبر اختیاری است )

رسول خدا ﷺ می فرمودند :

فاطمه ، بانویی بهشتی در شمایل انسان است.

هر گاه به رایحه بهشت مشتاق می شوم رایحه ی دخترم فاطمه را استشمام می کنم.

قَالَتْ فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا:  
أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ (عليهما السلام)  
يُقِيمَانِ أَوْدَهُمْ وَ يُنْقِذَانِهِمْ مِنَ الْعَذَابِ الدَّائِمِ إِنْ أَطَاعُوهُمَا،  
وَ يُبِيحَانِهِمُ النَّعِيمَ الدَّائِمَ إِنْ وَافَقُوهُمَا

(بخاراالنوار، ج ۲۳، ص ۲۵۹)



( استفاده از متن ترجمه خبر اختیاری است )

بانوی بانوان عالم حضرت فاطمه علیها السلام فرموده است :

محمد و علی ( که سلام خدا بر آنان باد ) دو پدر این امت اند .

ناراستی و انحراف امت را اصلاح می کنند و اگر مردم پیروی شان نمایند آنان را از عذاب جاویدان (دوزخ) رهایی

می بخشند. و اگر با آن دو همراهی نمایند از نعمت و آسایش همیشگی (بهشت) بهره مندشان سازند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ التَّقْلِينَ

مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا

كِتَابَ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي

وَ إِهْمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ

فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلُقُونِي فِيهِمَا

(الاحتجاج، الطبرسی، ج ۱، ص ۳۹۱، نشر التعمان، النجف الأشرف)

(مسند احمد، ج ۳، ص ۱۴؛ دارالصادر، بیروت)



( استفاده از متن ترجمه خبر اختیاری است )

رسول خدا ﷺ فرمودند :

من در میان شما دو چیز گرانسنگ باقی می گذارم.

تا وقتی که به هر دو چنگ اندازید، هرگز گمراه نشوید.

کتاب خدا و عترتم که اهل بیت من اند.

این دو هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند تا در (کنار) حوض بر من وارد شوند.

پس مراقب باشید که چگونه پس از من با آنان رفتار می کنید.



قَالَتْ فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ سَلَامَ اللَّهِ عَلَيْهَا فِي إِحْتِجَاجِهَا:

فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ

تَطْهِيرًا لَكُمْ مِنَ الشِّرْكِ ...

و الصَّلَاةَ تَنْزِيهًا لَكُمْ عَنِ الْكِبْرِ ...

وَالْعَدْلَ تَنْسِيْقًا لِلْقُلُوبِ ...

و الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَةً لِلْعَامَّةِ ...

و بَرَّ الْوَالِدِينَ وَقَايَةً مِنَ السَّخَطِ ...

و صِلَةَ الْأَرْحَامِ مَنْسَأَةً فِي الْعُمْرِ وَمَنْمَاءً لِلْعَدَدِ ...

کتاب الاحتجاج، طبرسی، ج ۱، ص ۱۰۰.



( استفاده از متن ترجمه خبر اختیاری است )

بانوی بانوان جهان فاطمه علیها السلام در فرازی از خطبه‌ی خود چنین فرموده است:

خداوند ایمان را برای پاکی شما از پلیدی شرک مقرر فرمود...

و نماز را برای پیراستن شما از خودبزرگ‌بینی و تکبر؛ ...

و عدل را برای پیوند و آرامش دل‌ها ...

و امر به معروف را برای خیرخواهی و مصلحت‌همگان ...

و نیکی به پدر و مادر را بازدارنده‌ی از خشم (خود) ...

و پیوند با خویشان را موجب طول عمر و افزایش شمار نفرات.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :

إِنَّمَا فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي

مَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي وَ مَنْ أَحَبَّهَا فَقَدْ أَحَبَّنِي وَ مَنْ سَرَّهَا فَقَدْ سَرَّنِي

(شرح الاخبار، القاضي النعمان المغربي، ج ۳، ص ۳۰)



( استفاده از متن ترجمه خبر اختیاری است )

رسول خدا ﷺ می فرمودند :

همانا فاطمه پاره‌ای از وجود من است؛ آن‌که او را بیازارد مرا آزرده

و هر که او را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر که او را شادمان سازد مرا شادمان ساخته است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :

فَاطِمَةُ بَجَّةٌ قَلْبِي

وَ ابْنَاهَا ثَمْرَةٌ فُؤَادِي وَ بَعْلُهَا نُورٌ بَصْرِي

وَ الْأَيْمَةُ مِنْ وُلْدِهَا أَمَانَتِي وَ الْحَبْلُ الْمَمْدُودُ

فَمَنْ اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدْ نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُمْ فَقَدْ هَوَى

( بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۱۴۳ )

(بنایع المودة، قندوزی حنفی، ج ۱، ص ۲۴۳؛ دارالأسوة، ۱۴۱۶ ه.ق)



( استفاده از متن ترجمه خبر اختیاری است )

رسول خدا ﷺ فرمودند :

فاطمه شادمانی قلب من است،

و دو فرزندش ، میوه های دل منند و همسر او فروغ دیدگانم

و پیشوایان از نسل او امانت من و ریسمان کشیده - خداوند - هستند؛

از این رو هر که به آنان پناه جوید بی تردید نجات یافته و هر که از آنان روی برتابد و دوری کند، هلاک شود!

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : :

يَا فَاطِمَةُ!

أَبْشِرِي فَلِكِ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامٌ مَحْمُودٌ

تَشْفَعِينَ فِيهِ لِمُحِبِّكَ وَشِيعَتِكَ

(بحار الأنوار، ج ٧٣، ص ٣٥٥)



( استفاده از متن ترجمه خبر اختیاری است )

رسول خدا ﷺ فرمود :

ای فاطمه !

مژده باد بر تو که در نزد خدا دارای مقام پسندیده‌ای هستی

مقامی که در آن برای دوستان و پیروانت شفاعت خواهی کرد.

قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ :  
سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ:  
« إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ » فَاطِمَةُ «  
لِأَنَّهَا فُطِمْتْ هِيَ وَشِيعَتُهَا وَ ذُرِّيَّتُهَا مِنَ النَّارِ

( دلائل الإمامة، ص ۱۴۸ )



( استفاده از متن ترجمه خبر اختیاری است )

امام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام نقل فرمود:  
از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود:  
فاطمه ، از آن روی فاطمه (جدا شده) نامیده شده  
که او و پیروان و فرزندان او از آتش جدا گشته اند .

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:  
لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ تِسْعَةُ أَسْمَاءٍ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ:  
فَاطِمَةُ وَ الصِّدِّيقَةُ وَ الْمُبَارَكَةُ وَ الطَّاهِرَةُ وَ الزَّكِيَّةُ وَ الرَّاضِيَةُ وَ الْمَرْضِيَّةُ وَ الْمُحَدَّثَةُ وَ الرَّهْرَاءُ

(علل الشرائع، الصدوق، ج ۱، ص ۱۷۸)



( استفاده از متن ترجمه خبر اختیاری است )

حضرت امام جعفر بن محمد الصادق علیه السلام فرمودند:  
فاطمه علیها السلام در نزد خداوند - که همواره پرازج و شکوهمند باد - نه نام دارد:  
فاطمه، صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیه، راضیه، مرضیه، محدثه و زهرا.

قَالَتْ فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ سَلَامَ اللَّهِ عَلَيْهَا:

إِنَّ السَّعِيدَ كُلَّ السَّعِيدِ حَقَّ السَّعِيدِ

مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَ بَعْدَ مَوْتِهِ.

(ذخائر العقبی، احمد بن عبدالله الطبری، ص ۹۲)



( استفاده از متن ترجمه خبر اختیاری است )

بانوی بانوان عالم حضرت فاطمه علیها السلام فرموده است :

همانا نیک بخت به تمام نیک بختی و حقیقت نیک بختی آن کسی است

که علی علیه السلام را در حیات و پس از درگذشتش دوست بدارد.

قَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ :  
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الصِّدِّيقَةِ فَاطِمَةَ الزَّكِيَّةِ  
حَبِيبَةِ حَبِيبِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ أُمَّ أَحِبَّائِكَ وَ أَصْفِيَائِكَ  
الَّتِي أَنْتَجَبْتَهَا وَ فَضَّلْتَهَا وَ اخْتَرْتَهَا عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ

(مصباح المتعجد، الطوسي، ج ۱، ص ۴۰۱)



( استفاده از متن ترجمه خبر اختیاری است )

امام ابامحمد حسن عسکری که سلام خدا بر او باد ، چنین دعا می کرد :  
خدایا ! صلوات فرست بر فاطمه‌ی صدیقه‌ی زکیه  
محبوب دل حبیب تو پیامبر و و مادر دوستان و برگزیدگان  
همان بانویی که انتخابش کردی و برتری‌اش دادی و بر زنان جهان برگزیدی



## اشعار (فقط قطعه نویسی نستعلیق):

تو کیستی که زچشمت بهار می ریزد  
بهار در قدمت برگ و بار می ریزد  
ز چشم گرم تو خورشید نور می گیرد  
چو مهر روی تو بر شام تار می ریزد  
چو عطر آمدنت را به سینه می کارم  
ز روی آینه‌ی دل غبار می ریزد  
به زیر پای تو ای یاس گلشن یاسین  
نسیم عشق، گل انتظار می ریزد  
شمیم نام تو وقتی که می رسد از راه  
گلاب از نفس روزگار می ریزد

غلامرضا شکوهی



نخل بلند علم بُود احمد  
امّ الکتاب فاطمه شد بارش  
شمس وجود احمد و خود زهرا  
ماه ولایت است ز اطوارش  
هم مطلع جمال خداوندی  
هم مشرق طلّیعه‌ی انوارش  
صد چون مسیح زنده ز انفاسش  
روح الامین تجلّی پندارش  
قرآن و پاره‌ی تن یاسین اوست  
خلقش چو احمد است هم آثارش  
کفوی نداشت حضرت صدّیقه  
گر می‌نبود حیدر کرارش

ناصر خسرو قبادیانی، متوفی ۴۸۱ قمری



منظومه محبت زهرا و آل او  
بر خاطر کواکب ازهر نوشته‌اند  
دوشیزگان پرده نشین حریم قدس  
نام بتول بر سر معجر نوشته‌اند

خواجوی کرمانی ، متوفی ۷۵۲ هجری قمری



با هیچ زن جز تو دل دریا شدن نیست  
یارایی درگیر توفان‌ها شدن نیست  
در خورد تو، ای هم تو موج و هم تو ساحل!  
جز ناخدای کشتی مولا شدن نیست  
تو مادر سبطینی و غیر از تو کس را  
اهلیت صدیقہ‌ی کُبرا شدن نیست  
جز با تو شأن گم شدن از چشم مردم  
وانگاه در چشم خدا پیدا شدن نیست  
نخلی که تو در سایه اش آسودی او را  
در سایه‌ی تو، حسرت طوبا شدن نیست  
ای عالم امکان خبر، تو مبتدایش  
آن جمله‌ای که در خور معنا شدن نیست  
سنگ صبور مردی از آن گونه بودن  
با هیچ زن ظرفیت زهرا شدن نیست

حسین منزوی



شب را خدا ز شرم نگاه تو آفرید  
خورشید را ز شعله‌ی آه تو آفرید  
شمسی تر از نگاه تو منظومه‌ای نبود  
صد کهکشان ز ابر نگاه تو آفرید  
آه ای شهیده، ای که شهادت سپاه توست  
جان را خدا شهید سپاه تو آفرید  
ای پشوانه‌ی دو جهان! عشق را خدا  
با جلوه و جلالت و جاه تو آفرید  
تقوای محض، عصمت خالص، گل خدا  
آخر چگونه شعر کنم قصه‌ی تو را؟

علیرضا قزوه



دختر فکر بکر من، غنچه‌ی لب چو وا کند  
از نمکین کلام خود، حقّ نمک ادا کند  
بلبل نطق من زبکِ نغمه‌ی عاشقانه‌ای  
گلشن دهر را پر از زمزمه و نوا کند  
شمع فلک بسوزد از آتش غیرت و حسد  
شاهد معنی من از جلوه‌ی دلریا کند  
وهم به اوج قدسِ ناموسِ اله کی رسد؟  
فهم که نعتِ بانوی خلوت کبریا کند؟  
ناطقه‌ی مرا مگر روحِ فُذّس کند مدد  
تا که ثنای حضرت سیده‌ی نساء کند  
فیضِ نخست و خاتمه، نور جمالِ فاطمه  
چشم دل از نظاره در مبدأ و منتهی کند  
مطلع نور ایزدی، مبدأ فیضِ سرمدی  
جلوه‌ی او حکایت از خاتم انبیا کند  
بضعه‌ی سید بشر، امّ ائمه‌ی عُرّ  
کیست جز او که همسری با شه لافتی کند؟  
وحي و نبوتش نسب، جود و فتوتش حسب  
قصه‌ای از مروّتش سوره‌ی هل اُتی کند  
مفتقرا، متاب رو از در او به هیچ سو  
زآن که مس وجود را فضّه‌ی او طلا کند

محمد حسین غروی اصفهانی



نور چشم رحمة للعالمين  
آن امام اولين و آخرين  
بانوي آن تاجدار هل اتي  
مرتضي، مشكل‌گشا، شيرخدا  
پادشاه و كلبه‌اي ايوان او  
يك حسام و يك زره سامان او  
مادر آن مركز پرگار عشق  
مادر آن كاروان سالار عشق  
مزرع تعليم را حاصل بتول  
مادران را اسوه‌ي كامل بتول  
نوري و هم آتشي فرمانبرش  
گم رضايش در رضاي شوهرش  
آن ادب پرورده‌ي صبر و رضا  
آسياگردان و لب قرآن سرا  
اشك او برچيد جبريل از زمين  
همچو شبنم ريخت بر عرش برين  
رشته‌ي آيين حق زنجير پاست  
پاس فرمان جناب مصطفاست  
ورنه كرد تربتش كرديدي  
سجده‌ها بر خاك او باشيدي

اقبال لاهوري



چو نورش در بسیط ارض از عرش برین آمد  
خدا را هر چه رحمت بود نازل بر زمین آمد  
ز نورش رحمت از رب المشارق تافت بر عالم  
چو زهرا را ظهور از رحمة للعالمین آمد  
به رشك آسمان طالع شد از روی زمین ماهی  
که از شرم رخس خورشید، خاکسترنشین آمد  
ز عرش کبریا بر فرش چون نورش هویدا شد  
ملایک در طوافش از بسار و از یمین آمد  
چو از جان‌آفرین در صورت آمد نقش این دختر  
هزاران آفرین بر نقش، از جان‌آفرین آمد  
بتول آینه شد، آینه‌ی اوصاف یزدان را  
چنان آینه را آینه در عالم، چنین آمد  
ملایک را از آن شد سجده واجب بر گل آدم  
که این نور خدا را جلوه اندر ما و طین آمد  
یقین در حق ندارد هر که شک در حق او دارد  
بلی حق‌الیقین از دولت عین‌الیقین آمد  
ولایش آب حیوان است جاری در عروق دل  
حیات جان انسانی از این ماء معین آمد  
ز حسن طلعتش افتاد عکسی آفرینش را  
ز عکس روی او پیدا بهشت و حور عین آمد  
کنیزش را نباشد اعتنا بر تخت بلقیسی  
غلامش را سلیمان بنده‌ی تاج و نگین آمد  
در اوصاف کمال او همین کافیت بر دانا  
که این دوشیزه را شوهر امیرالمؤمنین آمد  
فؤاد از جان و دل چون دوست دارد آل احمد را  
به سمع جان اهل دل کلامش دل‌نشین آمد

فؤاد کرمانی





سر مي زند آفتاب سرمد  
در خانه ي كوچك محمد  
از مطلع غيب و شرق توحيد  
خورشيد حيا و دين، درخشيد  
گرديد عيان جمال يزدان  
وان چه پس پرده بود پنهان  
اين عيد مبارك است و مسعود  
چون فاطمه است، طرفه مولود  
اي روح عظيم آسماني  
وي نام تو نام جاوداني  
اي تاج سر زنان عالم  
وي مفخر دودمان آدم  
از جوهر قدس تار و پودت  
وز نور محمدی وجودت  
معیار کمال زن تویی تو  
مقیاس جلال زن تویی تو  
اي گوهر ناب بحر رحمت  
يکتا در گوشوار عصمت  
اي پاره ي پيکر پيمبر  
هم مادر و هم خجسته دختر  
اي دختر بهترين پدرها  
وي مادر برترين پسرها  
اي همسر شاه شهسواران  
نفس نبوي و روح قرآن  
وي خلقت تو بزرگ آيت  
پيوند نبوت و ولايت  
اي گنج هزارگونه گوهر  
وي خوانده تو را خدای، کوثر

رياضي يزدي



این آستان که هست فلک سایه افکنش  
خورشید، شبنمی است به گلبرگِ گلشنش

سر می نهد سپیده دمان جاي خاکبوس  
فانوسِ آفتاب به درگاهِ روشنش

جايِ شگفت نیست که این باغِ سرمدی  
ریزد شمیمِ شوکتِ مریم ز لادنش

این جاست در آینه عصمتی که هست  
بر نقطه نگینِ نبوت نشیمنش

هم باشدش بهارِ رسالت در آستین  
هم می چکد گلابِ ولایت ز دامنش

مرد آفرین زنی که خلیلانه می شکست  
بت خانهٔ خلافِ خلافت ز شیونش

تا کعبه را ز سنگِ کرامت نیفکند  
از چشمِ روزگار نهانست مدفنش

احرامی زیارتِ زهراست اشکِ شوق  
یا رب نگاه دار ز مژگانِ رهزنش!

خسرو احتشامی



اي بي نشانه اي که خدا را نشانه اي  
هر سو نشانِ توست، ولي بي نشانه اي

هيها، خاکِ پاي تو و بوسه هاي ما!  
تو آفتابِ عشق بلند آستانه اي

در باور زمانه نگنجد خيالِ تو  
آري حقيقتي، به حقيقتِ فسانه اي

زهراي پاك، اي غم زيباي دلنشين  
تو خواندني ترين غزل عاشقانه اي

فاطمه راکعي



قبل از تو عشق يك سند معتبر نداشت  
مثل پرنده بود، ولي بال و پر نداشت

در حقیقت زمین و زمان، هر چه هست و نیست  
پروردگار غیر تو قصدي دگر نداشت

اعجاز با وجود تو معنا گرفته است  
ایمان به تو، نیاز به شق القمر نداشت

فهمیده بود بعد خودش تو مسافري...  
ورنه پدر بدون تو قصد سفر نداشت

می‌شد علي بدون تو تنهاترين علي  
دنیا به جز تو لایق او يك نفر نداشت

دل‌تنگ شد خدا و تو را از زمین گرفت  
يك فاطمه که در دو جهان بیشتر نداشت

آتش گرفته است دلم، کاشکي علي  
از علّت کبودي صورت خبر نداشت

هر کس شنید حال تو را در خودش شکست  
با گریه گفت خانه‌ات اي کاش در نداشت

احسان محمّدي



نوري كز آن حديقه ي جنت منور است  
نور جمال زهره ي زهراي اطهر است  
در وصف او گر امّ ابیها شنیده‌اي  
این خود يك از فضائل آن پاك گوهر است  
احمد وجود پاك ورا روح خویش خواند  
با این که خود به مرتبه روح مصور است  
تنها نه دختر است رسول خدای را  
کز رتبه بر ولي خدا نیز همسر است  
حاکي ست از وقایع ما کان و ما یکون  
متن صحیفه اش که به قرآن برابر است  
در حیرتم چه مدح سرایم به حضرتي  
کو را مدیح خوان ز شرف ذات داور است  
او هست عصمت الله و چندان شگفت نیست  
کز چشم خلق تربت پاکش مستر است  
اي آفتاب برج شرف کافتاب چرخ  
در آسمان قدر تو از ذره کمتر است  
جنّ و بشر براي شفاعت به نزد حق  
چشم امیدشان به تو در روز محشر است

صغیر اصفهانی



اي دوستي ات عصاره ي قرآن  
وي دشمني ات شراره ي نيران  
تعريف تو « انما يريد الله »  
توصيف تو « هل اتي علي الانسان »  
با منطق وحى گفت پيغمبر  
اي جان پدر ، پدر تو را قربان  
تو نوح و محبتت بود كشتي  
ما داخل كشتي و جهان توفان  
بي مهر تو هر كه مُرد، كافر مُرد  
اي بغض تو كفر و مهر تو ايمان  
ديدار جمال تو پيغمبر را  
ديدار جمال قادر مٲان  
پيدا به وجود اقدس ت واجب  
پنهان به مزار مخفيت امكان  
بوسيد رخ تو را رسول الله  
چونان كه زنند بوسه بر قرآن  
دل داده ي كوي قنبر ت فردوس  
روزي خور خوان فصّه ات رضوان  
بك قطره اگر ز كوثر ت نوشد  
دوزخ به بهشت ناز بفروشد  
غلامرضا سازگار ( ميثم )